



هنر فلا ندری

در قرن هفدهم

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲

قدرت قریحه و عظمت نبوغ روبنس بدرجه‌ای بود که تا دو قرن بعد همه نقاشان اروپارا تحت تأثیر گرفت. این مرد بزرگ همه جلوه‌های مختلف حیات را عزیز می‌داشت و باشور و شوق تمام بروی پرده نقاشی می‌آورد. در دوره‌های مختلف البته بزرگانی بوده‌اند که هر یک در صفتی بدرجه کمال نائل آمده‌اند. بعضی دقت نظر داشته‌اند، بعضی در شور و هیجان بنقطه لوج رسیده بودند، بعضی دیگر در مهارت فنی بر دیگران برتری یافته‌اند، اما هرگز کسی پیدا نشده است که در جمیع این صفات صاحب چنین تعادلی باشد. روبنس در دوران زندگی خود پادشاه نقاشی شمرده می‌شد، اما با این حال بسیار ساده و فروتن بود، با دوستان خود روابط صمیمانه داشت، نجابت و صمیمیت از صفات آشکار او بود، و هیچ‌گونه خشونت و زندقه‌گی در رفتار او دیده نمی‌شد.

مردی بود که باوقار و متانتی در خور نبوغ خود زیست می کرد و نیروی قریحه خود را در آفرینش زیبایی و هنر بکار می برد.  
چون رو بنس در گذشت گروه انبوه شاگردانش هنوز به تکمیل برده-  
هائی که در کارگاه او و بدست استاد طرح ریزی شده بود اشتغال داشتند.  
طرحهای او تا سالها سرمشق استادان بزرگی بود که بشاگردی او افتخار



انتوان فان دیک VanDyck شهادت سن سباستین

می کردند و آثار ناقص و ناتمام قلم موی او را مانند گنج گسرا نهائی که سرچشمه و منبع فیض هنری بود دست بدست می بردند.

\*\*\*

ژوردنس Jordaens ماهرترین و قویترین استاد نقاشی فلاندر که بعد او رو بنس شهرت یافت از تأثیر کار آن استاد برکنار نبود. اما اهمیت او



از آنروست که از هنر استاد الهام گرفت بی آنکه از کارهای او، مانند نقاشان دیگر تقلید کند. ژاک ژوردنس در سال ۱۵۹۳ در شهر آنورس متولد شد و در ۱۶۷۸ در همان شهر بدرود زندگی گفت. آثار او شامل پرده‌های نقاشی مذهبی، و مجالس اساطیری، و مجالس زندگی ساده و عادی است. چندی به تزئین دیوارهای کاخ‌ها پرداخت و همچنین گاه گاه طرحهای فرش و پرده تهیه کرد. چهره سازی نیز از جمله کارهای او بود. استاد او در فن نقاشی آدام فان نورت A. van Noort نام داشت که دخترش را به شاگرد هنرمند خود داد. ژوردنس هیچ گاه شاگردی رو بنس را در نیافت و هرگز به ایتالیا سفر نکرد. با اینحال هم تأثیر شدید آثار رو بنس و هم بسیاری از خصوصیات شیوه ایتالیائی در آثار او مشهود است. در بکار بردن سایه روشن از کار کورگجیو پیروی می کرد و از آثار جا کر یو باسانو Bassano آموخته بود که چگونه می توان موضوعهای اساطیری و مذهبی را با زندگی عادی و حقیقی زمان تلفیق کرد. در ترکیب اشکال مجالس نقاشی از رو بنس پیروی می کرد و از مجموع این اقتباسهای گوناگون توانست هنری عالی بوجود بیاورد. ژوردنس با علی درجه جویای حقیقت و امروا قعی بود و باین سبب چون مجالس اساطیر کهن یونان یا مناظری



ژاکوب ژوردنس - Santier dorchaie دهقان

از وقایع دین مسیح را تصویر می کند چنان آنها را جلوه می دهد که گویی همه آن حوادث در زیر آسمان فلاندر، در وطن او و در زمان او واقع شده است و اشخاص اساطیری یا مذهبی همه معاصران و هموطنان او بوده اند.

اغلب هنر سنجان خواسته اند که پرده های او را با آثار روبنس بسنجند و بر حسب این سنجش قدر و اعتبار آثار او را معین کنند. اما این سنجش درست نیست. حقیقت آنست که هنر نقاشی فلاندری در قرن هفدهم میلادی بدست سه استاد بنیان گذاری شد که عبارتند از روبنس و ژوردنس و فان دیک Van Dyck. این هر سه در ایجاد شیوه ای که نقاشی را در اروپا ترقی داد و در حقیقت اساس سبک نقاشی دوره جدید بشمار می رود سهیم بودند. اما شک نیست که پیشقدم و راهبر این تجدید روبنس بود و دو استاد دیگر خواه مستقیماً و خواه غیر مستقیم در تحت تأثیر او قرار داشتند.

هنر ژوردنس دارای بسیاری از صفات و خصوصیات آثار روبنس است، اما در کمال و ظرافت بدرجه او نمی رسد. بعکس او فان دیک بیشتر از جهت دقت هنری و ظرافت قلم شهرت دارد. در هر حال آثار این سه استاد یکی از مراحل مهم پیشرفت و ترقی هنر نقاشی بشمار می آید و استادان شیوه هلندی که در

همین قرن بوجود آمدند در اصول کار بایشان نزدیکی و شباهت بسیار داشتند. سنجیدن یکی از چهره های استادان هلندی مانند فرانتس هالس قرن هفدهم بوجود آورده اند ما را بوجوه مشابهت و اختلاف کار این دو شیوه مهم آشنا می کند.

(پژوهنده)



فرانتس هالس - چهره  
دپلم کروس